

تو که برون از مرز ایران ، اما در بستر موجودیت کسترده این نسل و در آغوش فرهنگ عمیق و ریشه دار ملت خود بس میبری یا تو هستم... این پیام آشنا ترین پیامی است که تو در این روزگار میشنوی . پیامی است که از اعماق تاریخ میهن تو آوازی به پر خروش مشتاقان راه وحدت و آزادی ملت تو برخاسته است .

بقیه در صفحه ۳

خاک و خون

این نام ...

نخست خاک بود خاک خون گشت و خون بر خاک نام گذاشت . نام ، خورد خاک و خون بود هم برخاک و خون بود . آنگاه در نام پیوستگی و یکی بودن خاک و خون را در نیا بند آ زمان پیدایش نسل که خونی بر خاک ریخته یازی نقر روزگار گردد و آموزگار آئین پاس خاک و خوشن گردد . توای خاک ، ای نیا خاک که سازنده و ساخته خون و خونی مانی ، ای مادر ماوای ما در ما . این خون که نشان زندگی از تو داریم در راه پاسداری تو ، خود رمز جاوید قدا گشتن یکی است برای همه آن همه که همای خونی را دارند . چون بر این خاک ریز ندان کوشی و رجاوند نام آفرین تو نام آور است که رمز خدائی همه برای یکی را بیان میدارد .

و چنین خاک خون را پدید آور و خون نام را و نام آدمی بهی و آزاده را که خون بر خاک فنا ساخت و این آئین را که چون همه بکار بسته اند نام یا فرهنگ گشته است نشان یکی است بجای همه و همه چون نشان یکتای خاک و خون برای یکی .

نخستین گام و نخستین پیام

مابوسی آرمانهای بزرگ ملت خود در حرکتیم

«خاک و خون» نخستین گام خود را در راه نبرد بزرگ و مقدسی که برای ایجاد ایرانی بزرگ و آباد در گریاست بر میدارد . نخستین گام «خاک و خون» اولین گام در راه این نبرد بزرگی بخش ملت ایران نیست شما کم و بیش ما و دوستان ما را میشناسید . هر کس که بر امور مبارزات اجتماعی ملت ما اندک آشنائی دارد میداند که ما بیش از بیست و سه سال است که با الهام از احساس و ادراک ایرانی خود برای بزرگداشت ملت ایران و پیروزی نظامی نو برای زندگی شایسته ملت پر افتخار خود در تلاش و کوشش انقطاع ناپذیر هستیم .

نبرد پیروزی بخشی که ما درفش پرشکوه آن را در دست سنگر بستگر دنبال میگردیم

آن روز هشتم شهریور ماه ۱۳۲۰ بود . شرق و غرب شبه سال و جنوب سرزمین ما بصرف نیروهای اشغالگر در آمده بود غبار غمی بسیار گران بر چهره آسمان ایران نشسته بود - آفتاب هشتم شهریور ماه با آنده بسیار در افق خونین غرب افول میکرد - همه چیز در هم ریخته و ماتم زده بود - شهری که تا قبل از سوم شهریور ماه نموداری از کار و کوشش و امیدواری بود در باری کشنده و نابسامانی دهشتناکی دست و پا میزد . بسیاری از مردم بخت نهای خود ریخته بودند - خیابان و کوی و برزن خلوت و خاموش بود - غمی سنگین و اندوهی بسیار تهران را در خود گرفته بود . می گفتند چه لحظه ای دیگر قوای اشغالگر از دروازه شرق تهران به شهر ما سرازیر خواهند شد . تهران بدون مدافع - تهران بدون حامی مثل دیگر شهرها و گوشه و کنار این سرزمین وحشت زده و نگران در انتظار یورش اشغالگران بود .

اما .. تهران در آن روز ناهموار مدافعی نداشت ، از میان آنجا ، در این شهر بزرگ معدودی بیمان ، بستند که در برابر نیروهای اشغالگر از محله و شهر و میهن خود دفاع کنند . تنی چند هم میمان شدند که بکوشه خانه ها و اطاقها تکرین زدند میثاق بستند که از آزادی و استقلال وطن دفاع کنند و برابر کوشش های ایران بر داده دشمنان وطن بمقاومت برخیزند .

اینان کودکان آن روز شهر ما بودند - میثاق آنها میثاق زنی نسل ملت ایران بود - صدائی که از نهاد آنان برخاست صدای خاموش نشدنی این ملت است که اسارت و بردگی را نمیپذیرد - صدای یز آوای تاریخ این سرزمین است که ملت جای گزیده بر آن حکومت و سلطه اجنبی را تحمل نمیکنند . هم میهن ...

نبرد ما - نبرد پر افتخاری که اکنون « خاک و خون » گویای آرمانهای درخشان و آزادی بخش آن است می باشد از آن هنگام آغاز گشت صدای هیهب گردش زنجیر تانکهای قوای اشغالگر بکوش میرسد - هواپیما های جنگنده نیروهای اشغالگر غرش کنان بر آسمان تهران پرواز می کردند - چند لحظه ای بعد تانکها نزدیک شدند و سپس کامیون های یز از سربازان اشغالگران پدیدار گردید .

بقیه در صفحه ۴

سباحت ناسیونالیسم کلین

ملت عنصر اصیل مکتب ناسیونالیسم است و بدون شک بی آنکه ملت را بناسیم ، شناخت واقعی ناسیونالیسم ممکن نخواهد بود .

ناسیونالیسم آئین زمان ما

« ناسیونالیسم آئین جاویدان حیات ملتها است . این آئین بر اصول بستگی و نوا میس طبیعت تکیه دارد . هر ملت برای وصول تربیت سر فراز و زندگی شایسته خود باید « ناسیونالیسم » آئین زندگی خود را دریابد . ناسیونالیسم چون چراغی راهنما است بقیه در صفحه ۳

کنفرانس سیاسی و مطبوعاتی حزب بان ایرانیست در راه اجرای منشور (استراتژی حزب بان - ایرانیست) برای ایجاد ایرانی بزرگ و آباد گامی بزرگ برداشته شد . انتشار روزنامه خاک و خون که صدای آزادگان ایران پرست میباشد این گام بزرگ و پیروزی بخش است . هم بدین مناسبت هم بسبب فرسایدن جشن مهرگان هم برای آگاهی از نظریات حزب بان ایرانیست در برهه

از: دکتر عاملی تهرانی

دانشگاه بکجامیرود؟

دانشگاه باید گان پرورش سازندگان نظم شامخ فردا باشد

رزش نیرو های انسانی که تا کنون بوسیله دانشگاه های ایران بجای آمریکا و دیگر کشورهای عرضه شده است از ارزش مجموع کمکهای بلاعوض و بشکل قرضه که از هر طریق با بران داده شده است بیشتر میباشد . دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزشی عالی در ایران وظیفه دارند که بدوین مرحله حیات خود قدم گذارند . در ۱۳۱۳ که دانشگاه تهران پایه گذاری میشد تنها یک ضرورت درک و احساس میشد و آن لزوم داشتن موسسه ای بنام دانشگاه بود . همه استدلال میکردند که چون ملل مترقی جهان دانشگاه دارند ما هم باید داشته باشیم وقتی هم که دانشگاه

بقیه در صفحه ۳

خط مشی «خاک و خون»:

اکنون روزنامه خاک و خون نبرد پرشکوه خود را برای ایجاد ایرانی آباد و بزرگ آغاز میکند . خاک و خون نقش سازنده خود را برای تعالی و عظمت ملت ایران درخشان این نقش خلاق و آگاهی و وقوف بر هدفهای این رزم بزرگی بخش چه برای نویسنده خاک و خون و چه برای همه آرمان خواهان

تامین فضای حیاتی نسل آینده و رفاه نسل کنونی

بدین منظور است نویسنده گان خاک و خون در نخستین شماره خط مشی خود را اعلام میدارند . منطبق بر اصول این خط مشی است که ما کوشش های خود را دنبال میکنیم مشکلات و موارد قابل انتقاد را بیان میداریم و آنچه را که نین درخور ستایش و حمایت است مورد بحث قرار میدهیم . مانده کسی دوستی بلاجهت داریم و نه با دیگری دشمنی بی سبب - آرمانهای ما مشخص است و راهی که ما را بدین آرمانهای ملت ایران رهنمون میشود نیز روشن است -

بقیه در صفحه ۲

تفسیر سیکر عدن . قربانی دیگری از همکاری و دیپلماسی مصر و انگلیس

مفسرین رویدادهای جهانی بر دو گروهند ، نخست آنها که با اتکاء بر جهان بینی خاص بر آنچه که در جهان میگردد می نگرند . دوم آنانکه همراه با گزارش بک سلسله حوادث تحت تاثیر گروه نخستین عقیده ای ابراز میدارند . ما با اتکاء بر جهان بینی ناسیونالیسم بتفسیر رویدادهای جهانی می پردازیم و در این راه پیش از آنکه به تبلیغات سیاستهای بیگانه توجه داشته باشیم کوشش خواهیم کرد تا بر آن موع عظیم و عمیقی که تاریخ جهان وسرگذشت بشر را میسازد و می آفریند و ژرف اندیشانی چون « اشینکلر » مبین آن بوده اند نزدیک باشیم .

مبارزات استقلال طلبان نه مردم عدن که بیش از دو قرن تحت تسلط استعمار انگلیس بوده اند دو هفته پیش بمرحله ای حاد و خطرناک نزدیک گردید و در طی این دو هفته موج اعتراض و اغتشاش بر سر عدن را فرا گرفته هر لحظه بر شدت این آشوب و مبارزه افزوده میگردد تا بجای که مردم ستم کشیده این سرزمین دست از جان شسته و آشکارا با سربازان انگلیسی و نیروهای چتر بازی که برای سرکوبی نهضت آزادی طلبان رمن آورده شده اند می جنگند در طی اغتشاب عمومی تو میلهای انگلیسیان را و از کون می کنند و به آتش می کشند و ما می شنویم که دانش آموز ۱۶ ساله

بقیه در صفحه ۲

مهرگان:

این پر فر روز جشن گهن

فلسفه وجودی جشن جدا از روح ملت نیست ، جشن نشانه نشاط و شادائیست جشن نموداری از کوشش بگ ملت در کار ساختن و آباد کردن و آفریدن است . هر چه این کوشش بهتر باشد آئین بزرگداشت جشنها و شادایا بهتر و پر شکوه تر خواهد بود . بد انسان که در این آئین عرما مراسم پرشکوهی در روز و یارو زهای معینی بپایمید و شور زندگی و نشاط هستی در سرتاس ایران زمین موج میزد و ملتی که شبوروز در کار ساختن و آفریدن بود با دست افشانی و پاکبویی غرق در شور و شغف میگردد و خستگی از تن و روان خود میزدود .

بقیه در صفحه ۳

صد گون تماش

سالها دل طلب جام جم از ما میگردد گوهری کز صدف کون و مکان بیرونست دیدمش خرم و خندان قدح پاره بدست فیض روح القدس اربانمدر فرماید این قسمتی از زیباترین و عارفانه ترین غزلهای خواجه شیراز است و خدایش پیامر زاده شاعر فرزانه ایران را که هر بیت شعرش دنیائی لطف و زیبایی و هر کلام سخنش جهانی نکته و معنی دارد اما چیزی که آن شاعر گرانمایه هرگز کوشش را نمیکرد این که روزی دیوان اشعارش بصورت فالنامه ای در آید و هر که مراد و مطلبی دارد وقتی دستش از همه جا کوتاه شد دست بدامان او شود و به جان شاخه نبات مصریش قسم دهد که فسال او را بگوید و از آن مهمتر اینکه روزی آدم بیکاره ای مثل من پیدا شود و بادست خالی بدون قدح پاره ! باجای پای مرشد فرزانه آن شاعر بگذارد و بخواهد مثل آن پیروشن دل صد گون تماش کند و در حالیکه نه قدحی از پاره دارد و نه جامی جهان نما خود را مصداق این شعر خواجه بداند که :

بقیه در صفحه ۲

صدای آزادگان ایران

چند سطر مقدمه

خط مشی خاک و خون

آنچه که در راه عظمت و آزادی و رفاه ملت ایران باشد مورد حمایت ما است و آنچه که ملت ما را از این راه دور دارد مورد مخالفت و پندار ما خواهد بود.

۱- استقرار ناسیونالیسم بعنوان ایدئولوژی ملت ایران

ناسیونالیسم که ناشی از درک واقعیت ارتباط فرد با ملت است باید ضمن یک تلاش بی‌گرویدارانه در همه ابعاد رسوخ یابد و در نتیجه هر فرد وجود خود را جزئی از یک ملت خوش بداند و خدمت به ملت را آئین زندگی و راه خوشبختی بشناسد.

خاک و خون زبان گویای ایرانی است

خواست های همه تیره های ایرانی برون از مرز و منافع سرسخت حقوق حقه آنان می باشد.

خاک و خون دفاع بی- دریغ از همه تیره های ایرانی

و شاه های فرهنگی ملت ما را در هر کجا که باشند از اساسی ترین وظائف خود می شمرد.

حقوق شیعیان مقیم عراق و برادران کرد و دیگر ایرانیان مقیم آن سامان را از وظائف خاص خود میداند.

ما خواستار برقراری روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هر چه بیشتر و نزدیکتر با کشورهای افغانستان میباشیم.

ما خواهیم داد. نه نفوذ بیگانگان نه اندیشه های ضد ناسیونالیسم و نه فرهنگی جز فرهنگ ایران

۲- نه نفوذ بیگانگان نه اندیشه های ضد ناسیونالیسم و نه فرهنگی جز فرهنگ ایران

۳- بر شاخه های همه دستگامها را معین کرد

۴- خاک و خون را وسیله گزینش و تشکل هوا خواهان و کوشندگان ناسیونالیسم ایران و اجرا کنندگان با ایمان و پاکدامن طرح های ناسیونالیستی خواهیم ساخت

۵- ناسیونالیستها در ایران بسیار ندولی تاکنون هیچ وسیله ای برای شناختن یکدیگر و گرد آمدن در کنار هم نداشته اند

۶- برای نامین فضای حیاتی نسل آینده و رفاه نسل کنونی به پیش - حاصل همه کوششهای پر خروش این ملت سترک را در راه تامین فضای حیاتی این ملت که متضمن مفهوم کوشش در راه استقلال و ترقی است.

۷- بکار خواهیم برد و در یک جنبش پر کوشش رفاه همراه با کارنسل کنونی را در بستری از نظم و عدالت فراهم خواهیم ساخت.

سیاست دولتی در هر شرایط بما

نزدیکتر است که در روابط مالی و بازرگانی کمکهای مساعد تری بتوسعه اقتصادی و صنعتی کشور ما بنمایند.

ملت ایران باید در میان ملل آسیائی و آفریقائی نقش هدایت کننده خود را بازیابد

این ملت ها را در راه رشد ناسیونالیسم و وصول به توسعه اقتصادی و صنعتی بر اساس مصالح ملت های این دو قاره و مبارزه با هرگونه استعمار بهر شکل و رنگ که باشد متشکل نماید.

برای دفاع از حقوق تاریخی ملت ایران - برای هم آهنگ ساختن کادر های اداره کننده سیاست خارجی دولت ایران با آرمانی های بزرگ ملی و اجتماعی - برای اجرای جنبشی که ملت ایران در آسیا و بطور کلی در سیاست جهانی باید داشته باشد، و زارت امور خارجه باید از بن و اساس دگرگون گردد و از نو برای ایفای وظایف اساسی خود سازمان یابد.

تصفیه و اصلاح دستگاه های اداری که بصورت آخرین پناهگاه هیئت حاکمه فاسد ایران درآمده است بزرگترین هدف در سیاست داخلی ملت ایران است.

وضع کنونی سازمان های اداری را میتوان به فتودالیسم اداری تعبیر کرد - خلع بد از فتودالیسم اداری تکمیل کننده جنبش بزرگ اصلاحات ارضی است.

در راه مبارزه با فساد و ناسامانی دستگاه های اداری باید از شرح کلیات گذشت و بجزئیات پرداخت شود و به بررسی و ارزیابی کار آن پرداخت.

خاک و خون کنترل کننده دقیق و بیگناشت برای کلیه دستگاه های اداری خواهد بود.

کوشش برای برقراری ساختن دستگاه «اداشدنی» - تربیت ملی و نهضت احیای روانی نسل جوان در سراسر لوچه برنامه ما خواهد بود.

گسترش سرمایه گزاری در خلیج فارس - گسترش ناوگان بازرگانی در خلیج فارس و دفاع همه جانبه از عنصر ایرانی و فرهنگ ایرانی در خلیج فارس

ماستار روابط گستره فرهنگی با تمام خطه های پارسی زبان و آشنای فرهنگ ایران زمین میباشیم.

بویژه گسترش روابط فرهنگی را با افغانستان - پاکستان - تاجیکستان - قفقازیه و دیگر سرزمین های آسیائی مشترک

فرهنگ و ادب فارسی است بشدت دنبال میکنیم.

برای بزرگداشت فرهنگ ایران زمین (فرهنگ فارسی) و برای دفاع از شاخه های گسترده این فرهنگ جهانی در هر کجا که باشد باید کوشش هم آهنگی از سوی همه مردم دولتی که وابسته باین فرهنگ میباشند صورت گیرد.

دولت شاهنشاهی ایران باید تنظیم کننده این کوشش وسیع و مشترک همه پارسی زبانان و وابستگان بفرهنگ ایران زمین باشد

ما باید از راه نیرومند ملت ایران را در خواستن توسعه اقتصادی همراه با وصول به آرمان های ملی بملل جهان تفهیم کنیم و روابط سیاسی و اقتصادی خود را با آنان بر پایه این تفاهم استوار سازیم

تفسیر سیاسی

بندر عدن در سال ۱۳۳۹ میلادی توسط انگلیسی ها اشغال شد و ۲۸ سال پیش رسماً جزء مستعمرات امپراطوری انگلیس اعلام گردید

مبارزات مردم عدن که خود یکی از ایالات عربستان جنوبی است و با کشورهای یمن و عربستان سعودی و عمان همسایه میباشد از سالها پیش آغاز شد.

این مردم که نزدیک به دو قرن نیمه بدلیل آنکه سرزمینشان اهمیت نظامی و تجاری و دریائی داشته است مدام شکنجه های دردناک استعمار را چشیده اند از

در باز با آتش و خون خوگرفته اند و روزی نبوده است که خبر کشته شدن یک مأمور انگلیسی را بدست مبارزین عدنی نشنیده باشیم

سرا انجام کوششهای مردم عدن سبب گردید که دولت انگلیس تحت فشار افکار عمومی مردم آزاده جهان سه سال پیش با تشکیل یک دولت خودمختار در عدن موافقت کند و

سال گذشته سازمان ملل متحد طی قطعنامه ای بمسردم مستعمرات عربستان جنوبی اجازه دخالت در سر نوشت خودشان را بدهد

دولت انگلستان قول داده است که سه سال دیگر یعنی در سال ۱۹۶۸ بمردم عدن و دیگر ایالات عربستان جنوبی (حضرموت و لاج) استقلال کامل بدهد و درین راه

مذاکراتی بین نمایندگان عدن و مقامات انگلیسی در لندن آغاز گردید که متاسفانه منجر بشکست شد و عبدالقوی مکاروی نخست وزیر عدن بدون گرفتن نتیجه لندن را ترک گفت و مقامات انگلیسی رادر شکست مذاکرات طرفین مقصر اعلام کرد.

سراجم روز شنبه سوم مهر ماه سال جاری دولت انگلیس ناگهان مکاروی رئیس دولت موقت عدن را معزول کرد و کلیه اختیارات را به کمیسر عالی انگلیس سر ریچارد تارن پاول در عدن داد

عزل مکاروی که خود بدلیل روشهای احتیاط آمیز مبارزه اش و بدلیل آنکه مورد قبول انگلیسی ها بود از طرف مبارزین جنبه آزادی بخش عدن پشتیبانی نمیشد همزمان با سفر تامپسون معاون وزارت خارجه انگلیس بخاور میانه بود و در همان حال که شورش در عدن بالا میگرفت تامپسون با مقامات مصری در حال گفتگو بود.

تقارن این حوادث نشان میدهد که انگلیس برخلاف قولی که بمردم عدن داده است خواستار استقلال عدن نیست بلکه درصدد معامله با دولتی است که حواب جانشینی انگلیس را در خاور میانه می بیند

بهمین دلیل یکی از روزنامه نگاران متنفذ انگلستان در مقاله ای بدولت ویلسون هشدار بایش داد که دولت انگلستان نباید با سیاست شکست خورده و دولت ورشکسته مصر در باره عدن - یمن و خلیج فارس بمذاکره بپردازد بلکه در مورد یمن با عربستان سعودی و در مورد خلیج فارس با دولت ایران باید تماس بگیرد.

از قرائن موجود چنین بر میآید که استعمار کهنه در این مناطق با سیاست متجاوز مصر در حال معامله است و در مذاکرات سیاستمداران دوطرف دربار عربستان جنوبی «شیخ نشینهای خلیج فارس بر رسیهائی صورت میگیرد. در اینجا پرده فریب و ریا از برابر چهره ناصر بیک سو می رود و آشکار میگردد که حمایت مصر از استقلال طلبان عربستان جنوبی بدلیل آنست که ناصر میخواهد در این سرزمین جانشین انگلیسی گردد. اصولاً در طی چند سال حکومت ناصر و تجاوزهای پنهان و آشکاری که بحق ملل عرب و غیر عرب آسیا کرده است معلوم شده است که سیاست خارجی مصر هیچگاه در جهت منافع ملل عرب نبوده و ادعای ناصر صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته است در مورد عدن نیز بمردمی که تحت تسلط استعمارند ایرادی نمیتوان گرفت که چرا پشتیبانی

دنباله صد گونه تماشا

دیدمش خرم و خندان قدح باده بدست مگر آنکه فیض روح القدس مددی فرماید و ما هم آن کنیم که ... و ندر آن آینه صد گونه تماشا میکرد

و اما چرا در میان جمع دوستان انجام این مهم را بعهده من گذاشتند به آن علت است که از دیگران بدین ترم و همیشه نیمه خالی لیوان رامی بینم. بقول یکی از آدمهای معروف فرق آدم خوشبین و بدبین در اینست که اگر یک لیوان نیمه پر را جلوی آنها بگذاریم اولی نیمه ای پر لیوان رامی بیند و دومی نیمه خالی را ... و من عمو نظور که گفتم همیشه نیمه خالی لیوان را می بینم و برای اینکار هم فلسفه ای دارم که اگر همه نیمه پر لیوان را ببینند دیگر هیچکس بفرکر پر کردن نیمه خالی نمی افتد. حتما باید یکی نیمه خالی را ببیند و باز گو کند شاید کسی پیدا شود لیوان نیمه پر را کامل پر کند و از این رهگذر خدمتی انجام شود ...

مثل اینکه زیادی حاشیه بردازی و آسمان و زمین بافتن است. اگر اجازه بفرمایند برویم سر مطلب.

در اخیر آمده بود که شهرداری لندن مبارزه شدیدی را علیه استعمال دخانیات در مدارس شروع کرده و بعنوان مقدمه تهیه طرحی را برای مبارزه با دخانیات در میان دانش آموزان بمسابقه گذارده و

از طرح جالب و ابتکاری مقابل که برنده مسابقه گردیده تعداد زیادی چاپ و منتشر کرده است.

این یک طرف قضیه است اما قضیه یک طرف دیگر هم دارد و آن شیوع فساد در میان نوجوانان و نوسیده های انگلیسی است. دانش آموزان کشور انگلیس، گهواره دموکراسی جهان! آنچنان بسوی انحطاط و فساد می نازند که کوئی فردا دنیا تمام میشود نمی خواهند این بکروز آخر دنیا را! نظور که میخواهند، بدون هیچ قید و بند و دراز همه آداب و عادات اجتماعی بسر آورند. چرا چنین شده است؟! بحث مفصلی دارد که از حوصله این ستون خارج است و انشاء الله اگر فرصتی شد در این باره مفصلاً بحث خواهیم کرد آنچه مسلم است دامنه این فساد چنان سرعت گسترش می یابد که مسئولین

امور را بفرکر چاره جوئی انداخته و نمونه آن اقدام اخیر شهرداری لندن است. امامتاسفانه این تدابیر هم دردی دوا نمیکند (و یا بکامان چنین است) و نسل جوان انگلستان بجای می رود که آینده اش معلوم نیست!

... و اینهم خبر دیگری است در تایید آنچه گفتم بنقل از هفته نامه «اخبار پزشکی» «بطوریکه از لندن گزارش می دهند تقریباً هفت درصد از نوزادان آن کشور در سال ۱۹۶۳ که بالغ به ۸۵۴۰۰۰ می شده است نامشروع بوده اند. از این عده که نزدیک به هفتاد هزار نفر بوده اند ۲۷ درصدشان از مادرانی کوچکتر از بیست سال متولد شده اند

در حالیکه در سال ۱۹۵۴ فقط ۴۷ درصد از نوزادان در این کشور حاصل تماس نامشروع زنان و مردان بوده است

بهر حال با این سرعت که مسئله اطفال نامشروع پیش می رود در آینده بندهای اخلاقی در این کشور بسیار سست تر خواهد شد.

و حالا بدینست این خبر کوتاه را هم که در روزنامه آژنگ چند روز پیش بچاپ رسیده بخوانید. البته هیچ ارتباطی به دو خبر قبلی ندارد و بکلی مجرد از آنهاست.

میگویند با اینکه یک ماه بمسایقات جهانی وزنه برداری نموده است باردیگر مسئولین فدراسیون بفرکر استخدام مربی وزنه برداری آنها از انگلستان افتاده اند میگویند شخص انتخاب شده حتی در یک مسابقه جهانی تاکنون شرکت ننموده است.

و اما بعد .. بحمد الله والمنة مدارس ابتدائی و متوسطه دولتی و ملی همانطور که آقای وزیر آموزش و پرورش میخواستند دستور دادند از روز اول مهر ماه شروع بکار کردند و کودکان بدسر و مشق پرداختند هنوز چند روز پیش ننگشده که سر و صدای اولیاء دانش آموزان درآمده و از هر گوشه صدائی برخاسته است.

از ده طلب گوناگون که در ستون گفتگوهای تلفنی اطلاعات در شب بچاپ رسیده بود چهار تایش مربوط بوده وضع مدارس و چگونگی تحصیل دانش آموزان، بر این نکته شامه بی نصیب نمایند من آنها را در اینجا نقل میکنم و بسته هیچ انتظار ندارم مسئولین امر و آنها که باید کاری کنند این حرفها را بخوانند و یا اگر خواندند بآن توجهی نکنند ولی بهرحال فکر میکنم گفتش باز سکوت آنوقت میگویند

در نارمک دبیرستان دخترانه پیام یکروز در میان شده، یکی نیست از اینها بیرسده که چطور میشود اینهمه درس و برنامه را که برای یکسال تحصیلی در نظر گرفته شده در نصف سال خواند و موفوق شد، آنوقت میگویند چرا بچه ها بیسواد با رمی آیند. ولی دانش آموز

طاق کلاسهای دبستان فروغی در شرف سقوط است گویا این دبستان مدیر هم ندارد که برای تعمیر این جادست و پائی کند.

بامبول، مدارس فرح آباد تهران نورا تصفیه روزه، بعضیها را یکروز در میان کرده اند ترا بخدا ببینید چه بامبولی سر مردم درمی آوردند شاگرد کلاس پنجم و ششم که تصفیه روزه نمیشود. اسداله ک

تکمیل نیست چند روز از آغاز سال تحصیلی می گذرد هنوز کادر دبیران دبیرستان شمس العلماء قریه تکمیل نشده است. بقول یکی از دوستان که عمری کرده و روزگاری بسر آورده باشی تا صبح دولت بدند کاین هنوز از نتایج سحراست

حالا برویم بسراغ آقای (کائوکی) نخست وزیر و بنام جنوبی که هر چه خاک مرحو ملانصرالدین است عمر او باشد

لابد در اخبار خوانده اید که ویت کنکها اعلام کرده اند بازاری هریک اسپری که از آنها کشته شده آنها نیز یک اسپیر آمریکائی را خواهند کشت و

اخیراً نیز بدنبال اعدام دواسیرویت کنک دو نفر آمریکائی بدست آنها کشته شدند. این جریان مسئولین امور و بنام جنوبی را بفرکر پیدا کردن چاره ای انداخت و بالاخر آقای کائوکی راه چاره را پیدا کرد و هنگامیکه در فرودگاه منتظر ورود آقای (چونگ) نخست وزیر کره جنوبی بود ضمن مصاحبه ای باخبرنگاران چرایید (راه حل) پیدا شده را باین شرح بیان کرد:

(برای آنکه ویت کنکها اسرای آمریکائی را اعدام نکنند، از این پس اعلام اسیران ویت کنک مخفیانه انجام میشود)

افراد را قبول کرده است بلکه گناه از کسی است که در زیر نقاب دوستی خنجری زهر آگین در دست می فشارد. پیش آمدن چنین حوادثی ما را، بر آن میدارد که بیش از پیش بسر نوشت دوستان خود در خلیج برابر تجاوز خنده آمیز ناصر پشتیبانی خود را از آنان دریغ نداریم همچنانکه پیوسته در طول تاریخ دولت و ملت ایران دوستان قابل اعتماد مردم این بخش از جهان بوده اند.

باید در اخبار خوانده اید که ویت کنکها اعلام کرده اند بازاری هریک اسپری که از آنها کشته شده آنها نیز یک اسپیر آمریکائی را خواهند کشت و

اخیراً نیز بدنبال اعدام دواسیرویت کنک دو نفر آمریکائی بدست آنها کشته شدند. این جریان مسئولین امور و بنام جنوبی را بفرکر پیدا کردن چاره ای انداخت و بالاخر آقای کائوکی راه چاره را پیدا کرد و هنگامیکه در فرودگاه منتظر ورود آقای (چونگ) نخست وزیر کره جنوبی بود ضمن مصاحبه ای باخبرنگاران چرایید (راه حل) پیدا شده را باین شرح بیان کرد:

(برای آنکه ویت کنکها اسرای آمریکائی را اعدام نکنند، از این پس اعلام اسیران ویت کنک مخفیانه انجام میشود)

افراد را قبول کرده است بلکه گناه از کسی است که در زیر نقاب دوستی خنجری زهر آگین در دست می فشارد. پیش آمدن چنین حوادثی ما را، بر آن میدارد که بیش از پیش بسر نوشت دوستان خود در خلیج برابر تجاوز خنده آمیز ناصر پشتیبانی خود را از آنان دریغ نداریم همچنانکه پیوسته در طول تاریخ دولت و ملت ایران دوستان قابل اعتماد مردم این بخش از جهان بوده اند.

باید در اخبار خوانده اید که ویت کنکها اعلام کرده اند بازاری هریک اسپری که از آنها کشته شده آنها نیز یک اسپیر آمریکائی را خواهند کشت و

اخیراً نیز بدنبال اعدام دواسیرویت کنک دو نفر آمریکائی بدست آنها کشته شدند. این جریان مسئولین امور و بنام جنوبی را بفرکر پیدا کردن چاره ای انداخت و بالاخر آقای کائوکی راه چاره را پیدا کرد و هنگامیکه در فرودگاه منتظر ورود آقای (چونگ) نخست وزیر کره جنوبی بود ضمن مصاحبه ای باخبرنگاران چرایید (راه حل) پیدا شده را باین شرح بیان کرد:

(برای آنکه ویت کنکها اسرای آمریکائی را اعدام نکنند، از این پس اعلام اسیران ویت کنک مخفیانه انجام میشود)

افراد را قبول کرده است بلکه گناه از کسی است که در زیر نقاب دوستی خنجری زهر آگین در دست می فشارد. پیش آمدن چنین حوادثی ما را، بر آن میدارد که بیش از پیش بسر نوشت دوستان خود در خلیج برابر تجاوز خنده آمیز ناصر پشتیبانی خود را از آنان دریغ نداریم همچنانکه پیوسته در طول تاریخ دولت و ملت ایران دوستان قابل اعتماد مردم این بخش از جهان بوده اند.



Why Not start a NEW TREND and Be a NON-SMOKER

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

باز هم فساد

ناسیونالیسم آئین

در عین حال ژنهای نسل آینده را با خود به همراه دارد. در این سلسله ناکستی فرد آزاد بدنیانیده و آزاد هم از دنیا نخواهد رفت.

هیچ فردی نه تنها به میل خود بمیان ملت خود نیامده است بلکه در این باره مجبور بوده است که در میان ملت خویش پای به مرصه حیات گذارد و وقتی هم که بعنوان یک سلول فسانی وظیفه خود را انجام میدهد در تار و پود قیود و سنت‌هایی که در میان ملتش وجود داشته است انجام وظیفه می‌کند و هیچوقت هم درصدد برنمی‌آید که علیه آن سنت‌ها ایستادگی کند و اگر فردی در این مسیر گام بردارد و بخواهد با پشت پا زدن بقیود اجتماع خود که در واقع نظم موجود آن اجتماع را ساخته است آزادانه و برخلاف عرف موجود عملی انجام دهد جامعه او را بنام فردی دیوانه می‌شناسد و کم‌کم او را از میان اجتماع میراند.

اصولاً هر فردی نیز این احساس را در میان ملت خود دارد که او فانی و ملتش باقی است در طول تاریخ میلیونها نفر از افراد ملت از میان رفته‌اند و حال آنکه ملت بعنوان یک موجود زنده و فنا ناپذیر بجای مانده است و بحکم زنده بودن رو بتکامل می‌رود.

ملت يك مقوله تاریخی و اجتماعی قائم بخود می باشد که در بستر يك تطور حیاتی و اجتماعی شکل گرفته و رو بتکامل می‌رود.

هر موجود زنده ای قوانین حیاتی مخصوص بخود دارد. بدن آدمی با دستکاهها و اندامهای مختلفی تابع قوانین زیستی و ژن‌هاست که مجموعه آن قوانین در سیستم آهنگ بدن باعث میشود که بدن آدمی شاداب و زنده و بارور بماند و در این سیستم آهنگ همه سلولهای بدن در جایگاه مخصوص خود انجام وظیفه می‌نمایند و چنانچه سلولی بخواهد از قوانین زیستی موجود سرپیچی کند و بمیل و اراده خود زندگی نماید افسانه سلول سرطانی را بوجود می‌آورد که نظم بدن و هم آهنگی خیره کننده آن را بهم میریزد و بالاخره آن را بسوی فساد و تباهی سوق میدهد.

ملت نیز همانند یک ارگانیسم زنده دارای قوانین حیاتی و بیولوژیکی مخصوص بخود میباشد که فرد بمنزله سلولی فانی از این پیکر فنا ناپذیر میباشد که در جایگاه ویژه خود در پیشگاه ملت انجام وظیفه می‌کند.

چنانچه انجام این وظیفه در مسیر قوانین حیاتی ملت و در بزرگ سیستم هم آهنگ باشد ملت در نهایت شکوفائی و شادابی و باروری خواهد بود و چنانچه افراد از قوانین حیاتی و از نظم و دیسیپلین این سیستم هم آهنگ روی بگردانند ملت نیز بسوی ضعف و انحطاط کشانده میشود که از نظر تاریخی دوره‌های فترت یک ملت را بوجود می‌آورد.

پس ملت موجودی است زنده که دارای قوانین حیاتی مخصوص بخود می‌باشد. آئین شناسائی قوانین حیاتی ملت و فلسفه حفظ بقا و موجودیت آن را ناسیونالیسم می‌گویند.

معتقدین باین اندیشه‌ی و کوشش فراوان دارند که با برخورداری از این شناخت واقعی حیات و فلسفه ملی در راه حفظ موجودیت و مصالح و منافع ملت با روشن بینی و وقوف کامل گام بردارند.

و وقتی چنین تجهیزاتی از شناخت واقعی ملت بعمل آمد و از ورای چنین دیدی به رویاندهای جهان ملت‌ها نگرسته شد آنوقت طبیعتی ترین و قابل لمس ترین داورها درباره پدیده‌های این جهان بعمل خواهند آمد ناسیونالیسم کلید درک پدیده‌ها و ارزشها و مفاهیم اجتماعی بر مبنای شناسائی کامل و طبیعی آنهاست.

پیامی به ایرانیان برون از مرز

سألهای بسیار است که توپامی از آشنائی نشینده‌ای هر چه بوده همه از دشمنان بوده - هر که بر تو آهنگی و آوایی سرداده است نغمه‌ای ناساز و آهنگی ناموزون بوده که از گلوله دشمنی بدخواه برخاسته است.

فزون از یک قرن است که تو در میان یک جهان دشمن روزگار سخت و اندوهباری را میگذرانی - دشمنان بر تو و خانواده تو بر تو و سرزمین نیاکان تو بر تو و فرهنگ تو تاخته اند و زندگی تو را بتاراج برده‌اند.

هر گاه خشتی برخشتی دیگر نهاده‌ی برای خود منزل و ماوا ساختی دشمنان آن را درهم گوییدند هر گاه بگذری برسینه خاک افشادی چند صباحی بعد دشمنان کشتزار تو را لگد مال نمودند.

ایرانی ... تو که برون از مرز ایران بسر میبری - این رنج‌های جانگداز و این اندوه و ناسامانی عظیم تنها داستان زندگی تو نیست - این داستان زندگی تو و دیگر هم میهنان تو است داستان غم‌انگیز زندگی یک قرن اخیر ملت تو و آئین خدائی و فرهنگ یز و زرمین تو است.

.. قرون و اعصار بسیار ما همه در آسیای میانه با هم و در کنار هم زندگی پرشکوه و شایسته‌ای داشتیم. آزادی و پیروزی همه تیره‌های وابسته باین ملت را در خود گرفته بود.

کشتزارها بارور - مراتع سرسبز - شهرها و آبادیها پر از واوله زندگی، خانواده و دو دو ما تها در امان و کوشا برای بزرگداشت ملت خود - کتخهای دانش سر به آسمان شیده - آبها و ساحل‌های وطن جولانگاه پیوستگی‌های عمیق ملت ما با مردم این روزگار بود هر کجا که دوده‌ای ایرانی میزیست آزادی و شور و حیات زندگی در آن سامان آشیان گزیده بود و هر کجا که شاخه‌ای از فرهنگ درخشان ایرانی راه یافته بود با خود آئین انسانی و فلسفه شامخ زندگی را بارمغان برده بود.

چنین مجموعه‌های پرشکوه و شامخ از همه تیره‌های ایرانی و از کیفیات عمیق و عظیمی که حاصل کوشش هم آهنگ همه این تیره‌های ایرانی بوده است یکجا شاهنشاهی ایران زمین را پایه ریزی میکرد.

اکنون - فزون از یک قرن است که در پیوستگی این مجموعه تیره‌ها و کیفیات وابسته به ملت ما فتوری رخ داده است. دیگر کسی به حمایت از تیره‌های ایرانی که دور از ایران بسر می‌برند بر نمی‌خیزد دیگر کسی به دفاع از شاخه‌های فرهنگی ملت ما که در دیارهای دور و نزدیک گسترده شده است قد نمی‌افزاید آری فزون از یک قرن است که شاخه‌های نژادی و فرهنگی ملت ایران برسینه دشت‌ها بر روی قلل سر به آسمان کشیده کوهستانها در پهنه آبها و ساحل‌ها دیگر ملت خود را حامی و پشتیبان خود نمی‌بیند.

ایرانی ...

ما برای پایان بخشیدن به این افسون اهریمنی یک قرن اخیر بی‌اخته‌ایم - ما این سکوت مرگبار را درهم شکسته‌ایم. صدای ما صدای تاریخ ملت ما است - قیام ما قیام پناه دفاع از موجودیت ملت ایران است با همه جامعیتی که در پهنه تاریخ و اجتماع دارد زیرا ماملت ایران را با همه جامعیت و کلیت آن می‌شناسیم - بدن سبب برای دفاع از ملت ایران با همه جامعیت و کلیتی که دارد بی‌اخته‌ایم.

ما حامل پیام آشنا و گرانقدری میباشیم - پیام ما پیام تو و دیگر هم میهنان تو است - پیامی است که تو بسوی دیگر هم میهنان خود میفرستی و نیز پیامی است که دیگر ایرانیان بسوی تو کسبل میدارند.

تو هم میهن - تو که روزگاران بسیار است بر پهنه آبهای خلیج فارس در فتن حقوق تاریخی ملت خود را در دست گرفته‌ای و از آنها و ساحل‌های میهن خود پاسداری میکنی - تو که سالان بسیار است در زیر سایه‌های خوناوار استعمار و در زیر چکمه‌های متجاوزین و اشغالگران روزگار سخت و اندوهباری را میگذرانی - با تو هستیم ما بیاری توفیق کرده‌ایم - ما همت مردانه و ایرانی تو را ستایش میکنیم - ما دست‌های خود را بسوی تو دراز میکنیم و از تو با تمام نیرو و توان خود حمایت خواهیم کرد.

تو برادر کرد من ... تو که سالان بسیار است با ترکتازها و بورش دشمنان ملت سرسختانه میهنی تو که در سرزمین عراق و سامانهای دیگر پاسدار فرهنگ ایرانی و سنگر مقدم مقاومت ما به آن فداکاریهای بسیار تو و دیگر برادران کرد درود میفرستیم - ما میدانیم اکنون دشت‌های سر سبز و قتل سرسخت رنگین از خون شجاعان شما است.

ما میدانیم سالان بسیار است که شما در میان دشمنان بسیار تنها و تنها گذارده‌اند ... اما ما آهنگ یکانگی را سرداده‌ایم ما عظمت نبرد های عظیم شما را درک میکنیم - و از شما و کوشش های پر ارج شما دفاع میکنیم.

کوتاه سخن آنکه - تو ایرانی هر جا که هستی - ما برای دفاع از تو بیا خواسته‌ایم زیرا ما ملت خود را بدانسان که هست می‌شناسیم و از آنچه وابسته به ملت ما است دفاع میکنیم.

بدینسان «خاک و خون» که وابسته به نهضت تاریخی و اجتماع ملت ایران میباشد دفاع از ایرانیان برون از مرز و دفاع از شاخه‌های فرهنگی و نژادی این ملت را در هر کجا وظیفه انصراف ناپذیر خود میدانند.

«خاک و خون» زبان گویای ملت ایران - «خاک و خون» نمایندند خواسته‌های همه ایران پرستان بویژه ایرانیان برون از مرز میباشد.

پس ما در نخستین گام دست شما را می‌فشریم - باشد که رزم هم آهنگ ما پایه‌های ایران بزرگ و زندگی شایسته و شامخ ملت ما را استوار سازد.

دانشگاه بکجا می‌رود

کشوده شد همه احساس کردند که یکی از آرزوهای ملی ما برآورده شده است.

متأسفانه امروز که متجاوز از سی سال از آن تاریخ میگذرد ما هنوز در حال ذوق کردن هستیم که صاحب دانشگاه شده‌ایم، هنوز استدلال ما مانند مردان سی سال پیش آنست که چون ملل مترقی فلان دانشگاه را دارند ما هم باید داشته باشیم و مرتباً دانشگاه خود را تقلید ممل مترقی و فقط تقلید بسط و توسعه داده‌ایم.

امروز خدارا شکر صاحب دانشگاه بزرگی هستیم که از راه دلخوشی گاه آنرا بزرگترین دانشگاه خاور میانه هم میخوانیم. ولی چرخ زمان با سرعت بسیار گشته است، **امروز دیگر برای هیچ کشوری کافی نیست که دارای دانشگاه عرض و طولی باشد که در آن هر گونه مؤسسه‌ای برای بازدید وجود داشته باشد بلکه امروز باید دانشگاه و دیگر مراکز تعلیمات عالی به آن توانائی را داشته باشند که تحولات زمان را درک کنند و سازمان خود را بخطر نمانین نیازمندیهای حال و آینده کشور از لحاظ پرسنل هدایت کنند، شالوده ریزند دانشگاه از آنجا که مجهز به بالاترین مراکز تحقیق است و یا باید باشد در برابر همه مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور مسئول است.**

علت و ریشه همه گرفتاریها از هر قبیل که باشد باید در دانشگاه بررسی و آشکار شود. تحقیقات دانشگاه باید بعنوان میانی و مدارک هر طرح سازنده‌ای مورد توجه قرار گیرد.

دانشگاه باید دقیقاً در جریان برنامه‌های کشور باشد و از نیازمندیهای آینده مطلع شود و سازمانهای خود را بطوری تنظیم کند که جوابگوی احتیاجات بعدی باشد.

دانشگاه تهران اولین مرحله حیات خود را که مرحله نمایشی احراز موجودیت است سپری ساخته است و اکنون باید قدم مرحله دوم حیات خود گذارد، یعنی با همه وجود و امکانات خویش قدم در راه وظایف تاریخی خویش گذارد و بجل مشکلات ملت ما و رفع نیازمندیهای پرسنلی رده عالی پردازد.

این مرحله است که ضرورت آن هر روز بیشتر احساس میشود اما هنوز آثار آنکه نماینده درک این تحول باشد در دانشگاه بچشم نمیخورد.

برنامه آینده دانشگاه بطور قطع برنامه عظیمی خواهد بود زیرا در این برنامه باید همه رهبران دستگاههای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی پرورده شوند. توده عظیم مدیران و معلمانی که باید پرورش نسل فردا را در روستاها و شهرها بعهده گیرند، نبوه پزشکان و شاغلین وابسته پزشکی که باید موسسات طب روستائی را اداره کنند و نگهبان تندرستی اکثریت ملت ایران باشند، مدیران و سردانندگان چرخهای صنعت و کشاورزی مدرن

دیدنی سودای ایجاد ایران با فرهنگ را درس می‌پروارند و با نظمی شامخ دوران نو را شالوده میریزد و ایجاد ایرانی بزرگ را با همه شکوه و عظمتش بشارت میدهد.

پس بناسیونالیسم، آئین زمان

مهرگان

بدینگونه آفرینش و درک لذات و موهبتات حیات از ویژگیهای ملت ما بود.

چشم‌های گوناگونی که با فواصل کوتاه در ایران زمین بیا میشد همگی از میثاقی بزرگ و پرشکوه ملت ما مایه میگرفت و این خود انگیزه آن بود که هر جشن و سروری که بپایمیشد با جلای افسانه درهم آمیزد و خود مایه‌ای برای فرهنگ غنی و پرشکوه ایران زمین گردد.

مهرگان یکی از آن جشنها و مراسمی است که نه تنها در ایران کهن بلکه امروز نیز در بزرگداشت آن کوشش فراوان شده و میشود. **در اوستا و در کتیبه‌های شاهنشاهان هخامنشی نام مهر (میترا) در سانسکریت (میترا) و در زبان پهلوی (میترا) آمده است و امروزه پس از گذشت قرن‌ها ما آنرا بنام مهر فرشته نگهبان همراه میخوانیم. مهر بمعنای دوستی و مهربانی و پیمان و هم چنین آفتاب جهان افروز است و نیز هفتمین ماه سال خورشیدی و روز دوازدهم هر ماه خورشیدی را مهر می‌گویند. مسعود سعد سلمان شاعر بلند آوازه ایرانی در شعر بی‌شمار معانی مهر را گرد آورده است:**

روز مهر و ماه مهر و جشن فرخ مهرگان
مهر بفرای نگار مهر چهر مهربان
و اما کلمه مهر در نزد ایرانیان بی اندازه گرامی بوده و نام یکی از فرشتگان می‌باشد و بدین سبب اغلب آتشکده‌های باستانی را بنام مهر میخواندند، فردوسی در این باره میگوید:

چه آذر گشپ و چه خرداد و مهر
فرزان چو ناهید و بهرام و مهر

همانطور که گفته شد مهرگان در نزد ایرانیان بی اندازه پر ارج بوده است

گویند در این روز خداوند به کالبد آدمی روان بخشید و افسانه آدم و حوا (منشا و مشیانه) وجود آمدند در این روز فرمان خدای مهربان روان بکالبد همه جانداران دمیده شده است و هم در این روز بوده است که فریدون شاه پیازی کاوه آهنگر ضحاک نازی را از تخت فرو کشید و در کوه دماوند به بندش بست و نیز در این روز از شیر بابکان دهیم خورشید پیکر بر سر نهاد. نیز گویند در این روز شاهنشاهان ایران برای خود پیره (ولیعهد) بر میگزیدند.

در مراسم مهرگان پیشکشها و آرد های ارزنده از دور افتاده ترین قلمرو شاهنشاهی ایران ببارگاه شاهنشاه فرستاده میشدند و «استرابون» می‌نویسد که خشتی پاون ساتراپ ارمنستان به مهرگان بیست هزار کسره اسب به دربار شاهنشاه هخامنشی هدیه میکردند.

سخنرا با شعری از شاعر بزرگ ایران زمین فردوسی درباره مهرگان خاتمه میدهم.

بروز خجسته بر مهر و ماه
همه عنبر و زعفران سوختند
بکوش و بر پنج ایچ نمنا می چهر

بازرسانی فعال و پر کوشش

فردا و دیپلماتهایی که باید در همه قاره های جهان بیرونی امکانات قابل بهره برداری برای ملت ما بردارند و از حقوق ایران در همه زمینه‌ها دفاع کنند. هنرمندانیکه باید با آثار خود نمودار روح پرشکوه ملت ما باشند و غیره همه باید در این دستگاه پرورده شوند. شاید عده‌ای مدعی باشند که دانشگاههای ما امروز هم ظاهراً همین نقش را عهده‌دار هستند ولی آنچه ما میکوتیم عبارتست از شرایطی که دانشگاه در آن مساند یک کارگرینی کیفیت بخش عمل کند و هر فارغ التحصیل این دستگاه از روز بعد از فراغت تحصیل با علم و آگاهی و تجربه کافی در مشغول خود حاضر شود و بکار مشغول گردد، چنین بستگی دقیقی باید بین دانشگاه فردا که پرسنل تربیت میکند و مراکز خدمت و تولید بر قرار باشد.

روزی که دانشگاههای ما وظایف ملی خود را آغاز کنند دیگر الگوهای تقلیدی برای بسط سازمانها از بین خواهد رفت و فقط نیازمندیهای آینده راهنمای ما خواهد بود. مدتهاست در دانشگاه کوشش میشود که ارزش تحصیلات دانشگاهی را دقیقاً با ارزش تحصیلات برخی از کشورها تطبیق بدهند. دوره دانشکده پزشکی از شش سال به هفت سال و از آن دانشگاههای دندان پزشکی و دارو سازی و فنی و غیره هر یک یکی است که چنین روابطی را دگرگون کند و این دانشگاهها را که از محل مالیاتهای زنان و مردان زحمتکش و پسر آرزوی ایران اداره میشود با سازمانهایی تبدیل کند که مفید بحال این مردم و دل‌بداریم.

ما و اندیشه راستین قرن ما که یگانه راه پیروزی و پیروزی ملت ایران است، بگراییم و پاس این آئین ایرانی را تا گامسرافرازی ملت فرهنگ آفرین ایران از جان و دل بداریم.

ناسیونالیسم جهان بینی ما

و محک و معیار سنجش ارزشها و مفاهیم اجتماعی و ضابطه خوب و بد همه چیزهایی است که در

ناسیونالیسم جهان بینی ما

خلاصه آنکه احکام مکتب ناسیونالیسم درباره اجتماع نافذ ترین و درست ترین حکم‌ها و اراده طریق آن برای لیل بهدنیها و آرمان‌های ملی بهترین راهنمایی است.

ناسیونالیسم جهان بینی ما و محک و معیار سنجش ارزشها و مفاهیم اجتماعی و ضابطه خوب و بد همه چیزهایی است که در

ناسیونالیسم جهان بینی ما

و محک و معیار سنجش ارزشها و مفاهیم اجتماعی و ضابطه خوب و بد همه چیزهایی است که در

تخصیص گام

ژنی نسل ملت ما در آن لحظه مقاومت و نبرد خود را آغاز کرد - فرسان تاریخ و اراده ملت ایران برای دفاع از این سرزمین خدائی از سینه خروشان تنی چند از نونهالان این سرزمین در آن روز اندوهبار در ایران زمین سر داده شد

انگشتیهای کوچک و ناتوان ما بسوی سنک پاره های خیابان خزید - لحظه بعد دفاع ما از محله و شهر و میهن خود آغاز گردید. کودکان محل هجوم خود را بر نبردهای متجاوز و اشغالگر آغاز کردند - آنها جن قطعه سنگهایی که از سینه کوچک و خیابان برداشته بودند - سلاحی دیگر نداشتند تا بسوی دشمن اشغالگر پرتاب کنند.

ظاهر آکاری کودکان بود - اما واقعه ای بزرگ بوقوع پیوست تقدیر چنین بود که نقطه عطف تاریخ این سرزمین در آن لحظات اندوهبار مشخص گردد و وظیفه بزرگ برافراشتن درفش نهضت تاریخی ملت ایران بدست کودکان آن روز سپرده شود.

پس نبرد عظیم ما در راه دفاع از موجودیت ملت ایران برای مطالبه حقوق از دست رفته ملت ایران و برافراشتن پرچم آزادی و برپا کردن عصر اندوهبار هفتم شهریورماه ۱۳۲۰ آغاز گردید.

نیروهای اشغالگر تنها سرزمین و آبادیها و شهرهای میهن ما را تصرف در نیاوردند - آنان با خود احزاب ضد ایرانی و افکار و اندیشه های غیر ایرانی را نیز بسوغات آوردند.

ملت ایران از سویی در زنجیر اسارت نظام فاسد و فرسوده حاکمه دست و پا میزد - مخصوصا که با واقعه شوم سوم شهریورماه گروه بسیاری از گردانندگان نظام فاسد یکصد ساله ایران که در لانه های عزلت خزینه بودند دوباره از لاکهای خود سر بیرون آوردند - آنان پرهمان مدار و اندیشه های سابق امور اجتماعی را قبضه چنگالهای خود کردند و حتی با هرگونه نشان و اثری از آثار استقلال و شورملی و حس ناسیونالیستی ملت ما دشمنی و عناد دیرینه خود را از سر گرفتند - از سویی دیگر سیاست های وابسته به نیروهای اشغالگر هر یک برای خود داور دستهای را ترتیب دادند.

هر قدرت خارجی برای خود حزب و تشکیلات سیاسی بوجود آورد - کار بدانجا رسید که گروهی از تجزیه شمال و غرب و گروهی دیگر از تجزیه استانها جنوبی ایران میزدند.

مشکل کار تنها نوشته های آشکار و غیر آشکار برای تجزیه ایران و یا حکومت ناپاکارانه دستکاه فاسدحا که نبود - قوای اشغالگر اندیشه های ضدملی را عمیقاً در قشرهای مختلف اجتماع رسوخ میداد - خطر بزرگ یورش فکری عقیده ای بر ملت ایران بود - خطری که هنوز و هنوز با هیبت بسیار همچنان استقلال و آزادی گسی و آرمانهای ملت ما میستیزد.

ما بیعان میدیدیم که نه دولتها، نه احزاب و نه مقامات مسئول هیچ یک در اندیشه ایران و دلنگران برای ملت ایران نیستند - ما میدیدیم که کوشش هر گروه و هر حزب صریحا و آشکارا برای دفاع از منافع یکی از قدرت های اشغالگر میباشد.

بنابراین نبرد ماهه جانیه بود - براسی که مبارز بزرگ خود را در میان یک جهان دشمنی آغاز کردیم.

از آن روزها تا کنون بیش از بیست و سه سال میگذرد، کودکان آن روزها تا کنون مردان برومندی گردیده اند که پایه های مستحکم جنبش عظیم ناسیونالیستی ملت ایران را بر شاهانه های خود هموار کرده اند.

در این بیست و سه سال حتی یک لحظه راه نبرد مقدس خود را ترک نکرده ایم.

ملهم مادر آغاز مبارزه احساس ساده و عمیق واصل خون ایرانی ما بود - سپس تاریخ میهن ما آموخته و راهنمای کوشش های ما شد - پس آرمانهای رهایی بخش ملت ایران را از سینه تاریخ این سرزمین بیرون کشیدیم

و بدینسان ناسیونالیسم ملت ایران در مبارزه عظیم واصل ما نمودار و آشکار شد. از آن تاریخ تا کنون کمتر کسی است که نام از ناسیونالیسم و ناسیونالیست ها و پانایان ایرانیم و پانایان نیست هانشنیده باشد.

هیچ یک از صفحات مبارزات ملی نیست که رنگ و نشانی از کوشش جانانه صف ایران پرست ما نداشته باشد و هیچ صحنه نبرد آزادبخشی نیست که جنبش آزمانخواه ما با پاکبازی بسیار در آن نقشی بسزایا نداشته باشد.

هر جا که با ایران و به ملت ایران یورش و تجاوز شده باشد ما با دفاع برخاسته ایم - در هر حرکت و جنبشی که برای عظمت ایران و برداشتن زنجیرهای اسارت از دست و پای مردم ایران صورت گرفته باشد متناقضانه شرکت جستیم.

بدینسان بیست و سه سال تاریخ کوشش های ما تاریخ جهاد در راه آزادی و برتری ایران و تامین رفاه و زندگی شایسته ملت ایران است.

ما در نخستین پیام «خاک و خون» خواستیم بگوئیم که چه هستیم و تا کنون چه راهی را بیشت سر گذارده ایم. اغلب رسم بر این است که در آغاز یک مبارزه و در نخستین مرحله یک راه آنان که می خواهند راه را بنمایانند میگویند یکجا میروند و ولی این بهترین نیست که بگویند از کجا آمده اند و این بهترین نیست که بگویند در سالهای گذشته در چه مسیری بوده اند؟ در چه راه گام برداشته اند؟ تا ما بدانیم در ادعای خود نسبت براهی که برای آینده نشان میدهند تا چه حد صالح و صادق هستند؟

مشکل بزرگ اجتماع ما در این است که کمتر میگویند از کجا و از کدامین راه آمده اند و مردم نیز کمتر از مدعیان راهبری میپرسند چه از چه راه و کدامین طریق آمده و به آنها رسیده اند؟

امروز مشکل حل گردد - اگر در جامعه ما نیز همانند جوامع دیگر که اساس و بنیان درستی برای کارهای خود دارند شخصیت سیاسی و اجتماعی هر کس و هر گروه را گذشته او بسازد نه ادعا ها و سخن های امروز و دیگر گمراهان و گمراه کنندگان دیروز را نمایان امروز نخواهند شد.

بدین سبب ما در نخستین شماره خلاصه ای از گذشته خود را بر شما زنان و مردان ایران پرست بسازگو کردیم

گذشته ای که همواره در پرتو درخشندگی ناسیونالیسم ایران روشنی داشته است و در این روشنائی پر فروز ما در راه آرمانهای بزرگ ملت ایران گام برداشته ایم.

بقیه کنفرانس

۱ - طرح آموزش و پرورش و انتقاداتی که بر آن وارد است و اصولی که باید اساس طرح آموزش و پرورش ملت ایران بطور کلی قرار گیرد.

۲ - سخنرانی درباره احداث صنعت ذوب آهن و اقدام اساسی و سریعی که برای ایجاد این رشته از صنایع سنگین باید صورت گیرد.

در ساعت شش عصر امروز کنفرانسی برگزار میگردد.

یادی از

در کار و کالت دادگستری شجاع و در راه ناسیونالیسم ایران مبارز آزادیگرا و کوشا بود - آنکه عضویت مکتب پان ایرانیم را نداشت. همواره شانه به شانه با مبارزان صف ایران پرست ما همکاری و همکاری بر سر جری را ادامه میداد.

آگاهی و اعتقاد او به ناسیونالیسم ایران بود که وی را برانگیخت تا امتیاز روزنامه (خون و خاک) را بنام خود بگیرد - قوسا که ساخته هوایی که در دامنه کوهستانهای البرز رخ داد دفتر توهار زندگی او را در هم پیچید.

از آن پس، همواره در این اندیشه بودم که در نخستین فرصت در شهری را که بنام (خون و خاک) او برافراشته بود، دیگر بار باهتزاز آرم - هر چند بسبب پاره های پیچیدگیهای قانون اخذ امتیاز بنام (خون و خاک) ممکن نکرده ایم، اما (خاک و خون) نیز همان است و میدان انگیزه بر این درش زرم ناسیونالیستی نام (خاک و خون) نقش بسته است.

اکنون فرازی چند از آنچه را که درسوگ مرگ او در نخستین شماره «ندای ایران ایرانیم» نگاشته بودم، بیاس کوششها، پاکبازیها و پایمردیهای این بنیانگذار «خون و خاک» در نخستین شماره «خاک و خون» نیز درج میگردد.

«من هرگز فکر نمیکردم» که کاظم ما را ترک گوید، «او با آن قیافه خندان و «پس از امید هرگز برای» «ما اندیشه شکست و مرگ» را بیاد نمیآورد. ما همه «اکنون موهبت بزرگی را» «از دست داده ایم. این» «ضایعه برای کسانی که حتی» «یکبار با او برخورد کرده»

گذشته ای که در دلمان این خاک که سرزمین نیاکان ما است و بخاطر عظمت و سربلندی این خون که نمودار ملت جاویدان و سترگ ما است نبرد خود را دنبال کرده ایم. اکنون نیز «خاک و خون» در راه این نهضت بسوی آرمانهای بزرگ ملت ایران است.

تذکر این نکته ضرورت دارد، هر چند نویسنده خاک و خون در راه ناسیونالیسم ایران و بسوی آرمانهای مشخص تاریخی و اجتماعی ملت ایران در حرکت و این بدان تعبیر است که دارای راه و روشی ویژه خود هستند. هر چند ما بر این عقیده ایم که ناسیونالیسم ایران مجموعه ای است از آن خواسته و آرمانها که در نهاد هر ایرانی جایگزین است اما با این همه «خاک و خون» روزنامه ای است متعلق به ایرانی که سوده ای آزادی و برتری ملت و میهن خود را دارد - ما هر کوششی را که در راه بزرگ داشت ایران و برای خدمت به ملت ایران باشد گرامی میداریم - صفحات «خاک و خون» آماده است تا نظریات همه صاحب نظران را نسبت بمسائل اجتماعی ایران منعکس کند و بدینسان «خاک و خون» را جلوه ای تابناک از همه کوششهای فکری و اجتماعی کوشندگان به بود وضع اجتماعی ایرانیان خواهیم ساخت.

هر ایرانی که برای آزادی و برتری ملت خود در کوشش و تلاش است، هر کس که خواستار فراهم ساختن زندگی شایسته برای مردم این سرزمین میباشد با ما در کنار ما است

محسن پرشگپور

نیز در آن خون که نریز در بر لاله پاسداری لیبرال

حکایت اخبار ایلیان

دوره اجلاس سال ۴۴-۴۵ مجلین صبح دیروز گشایش یافت - شاهنشاه در نطق افتتاحیه فرمودند :

«در این سال کنگره جهانی مبارزه با بسوادی با نتایج بسیار امیدبخشی در تهران تشکیل شد و باعث افتخار ایران است که در این راه پیشقدم بوده است - ما از عموم ممالک شرکت کنندو نمایندگان آنها که با کمال علاقه و شایستگی وظایف بشری خود را انجام دادند تشکر میکنیم و صمیمانه به موفقیت هر چه بیشتر این پیکار شرافتمندانه رادرسر جهان خواستاریم»

«برای صنعتی شدن مملکت تلاش مداوم خواهد شد» «موافقت نامه همکاری اقتصادی و فنی بمنظور ایجاد کارخانه ذوب آهن روز گذشته با دولت اتحاد جماهیر شوروی با مضاء رسیده و بموازات این اقدام سرمایه گذاریهای عظیمی در رشته های راه آهن، لوله گاز، برق سدا زاینده رود و غیره انجام خواهد گرفت که توسعه صنعتی منطقه مرکزی مملکت را تا مابین خواهد کرد»

«همچنین صنایع پتروشیمی ایران شروع بکار خواهند نمود و استفاده از منابع گازهای طبیعی مملکت که پنجاه سال به بند رفته است آغاز خواهد گشت»

«موافقتنامه تاسیس کارخانه ذوب آهن بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی ساعت ۵ بعد از ظهر روز سه شنبه با مضاء رسید»

بموجب این موافقتنامه دو دولت ایران و شوروی برای تاسیس ذوب آهن و کارخانه ماشین سازی واحداث خط لوله گاز در ایران بایکدیگر همکاری نموده و دولت شوروی کمکهای فنی و مالی لازم را در اختیار دولت ایران خواهد گذارد.

مشخصات کارخانه ذوب آهن ایران بدین شرح است : ظرفیت - مرحله اول ۶۰۰ هزار تن در سال (ظرفیت پس از توسعه تا یک میلیون و دویست هزار تن خواهد رسید)

عصر دیروز جلسه هیئت دولت در کاخ نخست وزیر تشکیل شد این جلسه از ساعت پنج تا هفت و نیم بعد از ظهر ادامه داشت.

حضرت فرانس یوناس رئیس جمهوی اتریش امروز تهران را ترک میگردد.

دادرس چهارده نفر متهمین کاخ مرمر از ابعاد دیروز آغاز گردید.

دنباله مسابقات دوره ای رسمی باشکاهای پایتخت روزهای پنجشنبه و جمعه در زمینهای شماره ۲ امجدیه، راه آهن و ورزشگاه شهباز انجام شد.

امروز و فردا مسابقات دو میدانی قهرمانی باشکاهای تهران انجام میگردد.

مدارس ابتدائی آبادان سه نوبتی میشود - این تصمیم برای اولین بار در آموزشگاههای ایران اتخاذ شده است علت اتخاذ این تصمیم کمبود جا در برابر تعداد زیاد دانش آموزان است.

وزارت راه مبلغ نه میلیون دلار از بانک صادرات واردات آمریکا وام میگردد.

طرح زیرسازی ساختمان راه آهن اصفهان - نائین - یزد - بافق مورد بررسی و تصویب هیئت عامل سازمان برنامه

« بودند جبران ناپذیر »
« و فراموش نشدنی است »
« کاظم مظهر میهن پرستی »
« راستی و وفاداری بود »
« او نمونه و نموده ای از خون »
« پاک ایرانی بود که آرزو »
« های بزرگ خود را در دل »
« خاک میهنش می جست »
« روزنامه «خون و خاک او» »
« فقط یکبار منتشر شد »
« و آنهم زمانی که بیاری »
« دوستان میهن پرست خود »
« شتافت »

م - پ

توای نوجوان نیک هشیار باش
مهیمن مهرگان جشن بیگانه نیست
جوانان که در حزب پان اندرند
همه آرمانخواه و میهن پرست
بهرامی جمله آزادگان

حکایت اخبار جهان

● جا کارتا - کمونیستها همچنان افراد خانواده های افسران و ژنرالهای ارتش اندونزی را قتل عام میکنند . بدین مناسبت برچمهای ملی در اندونزی بحالت عزای نیمه افراشته است .

● جا کارتا - همچنان جنگهای شدید و سهمگین بین نیروهای ارتش اندونزی و شورشیان د گیر است .

● مسکو - دولت شوروی بار دیگر از این تقاضای کمک برای توسعه صنایع سیبری نمود و بدین ترتیب دیپلماسی شوروی گام های موثری برای نزدیکی با دولت ژاپن بر میدارد .

● مسکو - بدنبال اقدامات دولت شوروی برای نزدیکی با این از نخست وزیر ژاپن تقاضای سفر بکنکور مژبور را نموده و نخست وزیر ژاپن این دعوت را پذیرفته است .

● اظهارات دین راسک وزیر خارجه آمریکا در واشنگتن حاکی از آن است که در شرایط کنونی هیچگونه آمیدی برای تخفیف در بحران ویتنام وجود ندارد .

● نیویورک - طبق اظهار مقامات مسئول در نیویورک تعداد آوارگان جنگهای ویتنام ۶۱۱ هزار تن میباشد که اکنون ژنرال آفلور سفیر پیشین آمریکا در ویتنام مشغول جمع آوری اعانات از موسسات خیریه آمریکا برای آنان میباشد .

● سائیکون - طبق اعلام فرماندهی نیروهای امریکا در ویتنام جنوبی تعداد مقتولین و مجروحین ارتش آمریکا در جنگ های ویتنام ۶۸۱ تن بوده است .

● دمشق - دیروز کارگران سوریه بعنوان همدردی با مردم عدن دست باعصاب ۲۴ ساعه زدند . بر اثر این اعتصاب حمل نفت بکشورهای اروپائی متوقف گردید .

● جا کارتا - سوکارنو با وجود شرکت در یک جلسه مصاحبه مطبوعاتی در برابر پرسش خبرنگاران سکوت نمود و حتی کلمه ای بر زبان نیاورد .

● وزیر خارجه اندونزی گفت اکنون مهمترین خبر این است که سوکارنو زنده میباشد .

● جا کارتا - با آنکه جنگهای شدیدی بین نیرو های اندونزی و کمونیست ها وجود دارد هنوز پنج وزیر کمونیست در کابینه سوکارنو شرکت دارند که این امر خود ابهام بیشتری را بر وضع سیاسی اندونزی مستقر ساخته است .

● پراوا دارگان حزب کمونیست شوروی از نظر سور روابط سیاسی ، چین کمونیست را هم در کنار کشورهای آمریکا و انگلیس اعلام داشت .

● واشنگتن - دانشجویان مسلمان و مسیحی اندونزی از سوکارنو خواستند که حزب کمونیست اندونزی را منحل کند .

● راولپندی - وزیر خارجه پاکستان انقادهر گونه قرار داد محرمانه ای را فیما بین پاکستان و چین کمونیست تکذیب کرد .

● مقامات دیپلماتیک لندن تصمیم پاکستان را برای قطع رابطه سیاسی با مالزیبا اقدامی بر ضد کشور های مشترک المنافع تلقی نمودند .

● قرار گرفت .
و مبلغ سه میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال اعتبار طرح مژبور بتصویب رسید .

مهرگان

شعر مهرگان از هژبر دوست آزاده وارجمند ماست که همیشه در خطه خراسان صدای آزادی و برتری را سر داده است

ابا مهره روز شادی رسید
ز دور کهن سروری را نشان
یکی اشکر از خم شمشیران ما

بده مژده روز بهی شد بدید
مهیمن جشن ایرانیان مهرگان
نشانی ز کین دلیران ما

بآنکه که ضحاک تازی نژاد
ستم کرد و بیداد ضحاک پست
نماند از جوانان آزاد مرد
یکی گرد بی باک و مردی دلیر
همان کساوه آریائی نژاد
بر آورد از نای بانگی بلند

« اگر حاصل از زندگی بندگی است
که ضحاک بدکار و بیگانه است
دیران گرفتندش اندر میمان
نهادند ، روسوی ضحاک دون
کشیدندش از تخت گاه بلند
بکوه دماوند در اینند شد
فریدون نشانند بدرتخت و گاه
بدانکه که ضحاک را راندند
شهنشه فریدون و الانبار
مر آن چرمها نیک پیراستند
بفرمان شه چوب و چرم بنفش

ز دور از سر اسر جهان عدل و داد
بخون جوانان بیا لود دست
هم ایرانیان را بیس خار کرد
برومند آهنگری همچو شیر
یکی پاره چرمی بچوبی نهاد
که ضحاک را خواه آدم بیند
مر آمدن آسانتر از زندگی است
نه ایرانی پاک و فرزانه است
یکایک بمردی شیر زبانه
به پیش اندرون چرم لایدر همون
تن و پیکرش گشت خار و پژند
دل ملتی شاد و خرسند شد
همی بر سرش خسروانی کلاه
مر این روز را مهرگان خواندند
یکی جشن فرمودیش شهریار
بلبل و بگوهن بیاراستند
همی خوانده شد کاویانی درفش

خرمند و آگاه و بیدار باش
ببیکانه خواهان بیا بدگر بست
دلیرند و بیگانه را دشمنند
همه گرد بی باک و بیس چیره دست
بر آرم بنیاد بیگانگان

توای نوجوان نیک هشیار باش
مهیمن مهرگان جشن بیگانه نیست
جوانان که در حزب پان اندرند
همه آرمانخواه و میهن پرست
بهرامی جمله آزادگان